



در این شماره می‌خوانید:

صورت جلسه ماه فوریه ۲۰۱۲

تاریخچه پیدایش روز زن (هشتم ماه مارس)

خشونت علیه زن

معرفی شخصیت‌ها

فعل مجهول (شعر)

دو شعر از فریدون مشیری

از رباعیات خیام

صورت جلسه ماه فوریه ۲۰۱۲

جلسه ماه فوریه با یک دقیقه سکوت برای احترام به یادبود اعضا و همکاران از دست رفته و مخصوصاً دو عزیزی که اخیراً ما را ترک کرده‌اند، همسر آقای رحمت و آقای فریدون انتقامی، شروع شد. سپس آقای رحمت طی سخنانی گفت که زندگی در غربت باعث همبستگی و نزدیکی بین افراد در خارج می‌شود و در واقع انجمن این همبستگی را به اوج می‌رساند و در مواقع ضروری این انرژی نهفته که در ذات انجمن است ظاهر شده و نقش آفرینی می‌کند که نمونه آن مراسم خاک‌سپاری و یادبود همسر عزیزم بود که مشاهده کردیم و استقبال و شرکت همکاران و اعضای محترم انجمن در این مراسم به قدری زیاد بود که باورکردنی نبود و من از کلیه اعضای انجمن و همکاران و خانواده‌های آنها که به نحوی در برگزاری این مراسم کمک کردند تشکر می‌کنم و در اینجا از هیئت مدیره انجمن تقاضا می‌کنم که برای برگزاری جشن نوروز، نه تنها هیچکوتاهی نکنند، بلکه مراسم نوروزی را، بهتر و عالی‌تر از گذشته برگزار کنند، چرا که من و مهران عزیز در تمامی مراسم نوروزی شرکت می‌کردیم و همیشه طرفدار شادی و خنده بودم. در ادامه دوست دیگری پس از خواندن شعری در رابطه با همبستگی و همکاری بین اعضای انجمن مطالبی بیان کرد و تأکید نمود که دوستان قدر همدیگر را بیشتر بدانند و همین جلسات ماهانه انجمن که باعث دیدار بین اعضای انجمن می‌شود بسیار بااهمیت است. سپس یکی دیگر از اعضا توضیح داد که عامل اصلی و اساسی همبستگی و همیاری بین اعضای انجمن که باعث افزایش قدرت و امکانات انجمن (معنوی و مادی) انجمن می‌شود فقط خود انجمن می‌باشد که توانایی آن را دارد که در مواقع ضروری و استثنائی خود را نشان دهد.

در بخش دوم جلسه، مسئول هیئت مدیره، پس از بیان سخنانی در رابطه با مقام انجمن و فلسفه پیدایش همکاری و مساعدت بین اعضای انجمن، خاطرنشان کرد که باعث افتخار من هست که عضو انجمن می‌باشم و هر عضوی باید افتخار کند که عضو این انجمن هست.

مسئول هیئت مدیره در ادامه توضیح داد که به علت مسائلی که در ماه ژانویه رخ داد، هیئت مدیره تصمیم داشت که جشن نوروز را امسال برگزار نکند

ولی بعد از پافشاری و تقاضای دوستان و اعضا، مخصوصاً آقای رحمت، که ما را تشویق به برگزاری جشن نوروز کردند، بهتر دیدیم که جشن نوروز امسال نیز مانند هر سال برگزار شود که در نتیجه به علت کمبود وقت، این مراسم برنامه‌ریزی خواهد شد و در هفته آینده به وسیله هیئت مدیره اعلان خواهد شد.

در پایان مسئول هیئت مدیره خبر داد که جشن نوروز در روز جمعه ۲۳ ماه مارس در LONGJUMEAU برگزار خواهد شد و از اعضای محترم انجمن تقاضا می‌کنیم که در تهیه بلیط در این مدت زمان کوتاه، اقدام کنند.

هیئت مدیره

اعضای محترم برای تماس با هیئت مدیره می‌توانند با شماره تلفن زیر تماس حاصل کنند:

06 62 06 73 09

XXXXXXXXXX

تاریخچه پیدایش روز زن

(هشتم ماه مارس)

کلارا زتکین (Clara Zetkin) یکی از مبارزان حقوق برابر زنان است که نه تنها به عنوان سیاستمدار برجسته بلکه به عنوان یکی از چهره‌های رهبری جنبشی زنان آلمان شناخته شده است.

کلارا زتکین در ۵ ماه ژوئیه ۱۸۵۷ در روستایی کوهستانی، نزدیک لایپزیک آلمان متولد شد. پدرش «گوتفرد آیسler» معلم روستائیان بود و مادرش زنی فرهیخته به نام «جوزه پینه» که با اولین پیشروان جنبش فمینیستی آلمان آشنایی داشت.

کلارا به همراه خانواده‌اش، سال ۱۸۷۱ میلادی در شهر لایپزیک سکنی گزید و در سال ۱۸۸۲ در پی اخراج شریک زندگی‌اش از آلمان، مجبور به تبعید شد و راهی زوریخ گردید و سپس به پاریس رفت و در سال ۱۸۹۱ بعد از مرگ همسرش با نام خانوادگی «زتکین» و با دو پسر خردسالش به آلمان برگشت.

کلارا از سال ۱۸۹۲ سردبیری نشریه فمینیستی بنام «برابری» را عهده‌دار شد و تا سال ۱۹۱۷ به انجام این مسئولیت مشغول بود. وی همچنین رهبری سازمان زنان سوسیال دمکرات را نیز بر عهده داشت.

کلارا زتکین بیش از هر چیز برای خواست استقلال اقتصادی زنان، برای حق داشتن شغل برای زنان مبارزه

خشونت علیه زن

(با اسارت زن هیچ کس بیشتر از مرد مجازات نمی‌شود)

خشونت علیه زن محصول فرهنگ مرد پدرسالار است. از طریق همین مکانیسم است که روابط نابرابر قدرت و ثروت میان زنان و مردان نهادینه می‌شود و تابعیت و وابستگی زنان به نحو ایدئولوژیک و حقوقی توجیه می‌شود. به این ترتیب است که مردان و حتی خود زنان به کارگزاران اجتماعی اعمال خشونت بر یکدیگر و بر خویشان مبدل می‌شوند و نمی‌توان چنین جان مایه‌یی را از هنر و ادبیات و اخلاق و آموزش و پرورش و سایر خرده نظام‌های اجتماعی جدا کرد.

شاید در نگاه اول موضوع خشونت و جنسیت بیانی اجتماعی و تفکری جامعه‌شناسانه را در ذهن بسازد اما در حقیقت این اندیشه‌های پایه‌یی جامعه و باورهای اعتقادی اعضای آن است که چنین امری را به مثالی همیشگی برای تمام جوامع انسانی با ضریب کم و زیاد ایجاد می‌کند. لذا در حقیقت بخش خشونت با آنکه از دید جامعه‌شناسی از اهمیت خاصی برخوردار است و حتی پدیدآورنده بسیاری از مشکلات نیز هست اما ریشه‌یی جز در مبانی اندیشه ندارد. در باب دموکراسی بارها و بارها گفته‌اند و خوانده‌ایم که دموکراسی حقیقی باید از جزء شروع شود و به کل ارتقاء یابد. هیچ گاه در جامعه‌ای که در آن خانواده یک نظام دیکتاتوری است نمی‌توان شاهد پدید آمدن یک نظام دموکراتیک در معنی حقیقی بود. یکی از مواردی که در جزء خانواده باعث پدید آمدن یک نظام دیکتاتوری می‌شود خشونت است، خشونتی که برادر بر خواهر، شوهر بر همسر و پدر بر فرزند روا می‌دارد. این خشونت در روح و جان انسانی وارد شده است. پسرک‌های نوجوان با این مسئله بزرگ می‌شوند که باید بر زن اشراف داشته باشند و دخترکان نوجوان نیز تسلیم بودن را می‌آموزند. پسری که با خشونت بزرگ شده است به سمت همسری و بعضاً پدری می‌رسد و این خشونت را در زندگی‌اش ادامه می‌دهد. نباید فراموش کرد قربانی این خشونت تنها زنان نیستند، پسران نیز در این خشونت‌طلبی اجتماعی مورد ظلم واقع می‌شوند. از سمتی جریان‌های تندرو فمینیستی در رخدادهایی که توان مقابله و تلافی را به دست می‌آورند به جای حل مشکلات پدیدآورنده خشونت به تلافی می‌پردازند و این خود باعث پدید آمدن موج جدیدی از خشونت می‌شود.

خشونت موجود در خانواده و جامعه که به بهانه

کرد، خواست او تنها حق شرکت در انتخابات برای زنان نبود، بلکه حق عدم وابستگی اقتصادی برای زنان را نیز مطرح کرد. به نظر او از این طریق است که زنان می‌توانند با حقوق برابر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور نقش داشته باشند.

این خواست امروزه نیز برای زنان مطرح است. او می‌گفت: «کار زنان ضروری است چرا که استقلال اقتصادی زنان پیش شرط رفع ستم بر زنان است».

کلارا زتکین نخستین زنی بود که به رهبری حزب سوسیال دموکرات آلمان رسید. در اولین جلسه کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست در اشتوتگارت او به عنوان منشی عالی حزب برگزیده شد. سه سال بعد در ۲۷ آگوست سال ۱۹۱۰ دومین کنفرانس بین‌المللی زنان در کپنهاگ با شرکت ۱۰۰ شرکت‌کننده از هفده کشور جهان برگزار شد. در این کنفرانس به پیشنهاد کلارا زتکین روز هشتم مارس به عنوان روز زن، برای دفاع از حقوق زنان در مقابل تبعیضات مختلف و چند جانبه برگزیده شد.

مهمترین خواست‌های زنان از سوی کلارا زتکین و مبارزان همراه او بدین گونه بود: لزوم تدوین قوانین حمایت‌کننده کار برای زنان؛ حق رأی و شرکت در انتخابات؛ برابری مزد با مردان در مقابل کار مساوی؛ هشت ساعت کار در روز؛ حمایت از مادر و کودک؛ مرخصی زایمان؛ حق داشتن تعطیلات و تعیین حداقل مزد. طبیعی است که امروزه زنان در بیشتر کشورهای اروپائی در مقابل قانون دارای حقوقی برابر با مردان هستند و از نظر حقوقی تفاوتی میان مردان و زنان وجود ندارد اما در عمل و در محیط کار وضع به گونه‌ای دیگر است! مدافعان برابری حقوق زنان در جهان راهی طولانی را پیموده‌اند، تلاش آنان نتایج بزرگی نیز در پی داشته است اما هنوز هم برخی از خواسته‌های اولیه جنبش زنان بخشی از شعارهای روز فعالان حقوق زنان محسوب می‌شوند.

گفته می‌شود که در مراسم خاکسپاری کلارا زتکین در مسکو، در هشتم ژوئن ۱۹۳۳ میلادی، بیش از ۶۰۰ هزار نفر شرکت کردند تا با این مبارز برجسته جنبش زنان وداع گویند. کلارا زتکین ۷۶ سال زندگی کرد و خاکستر جسد او در دیوار کرم‌لین به خاک سپرده شد.

تهیه و تنظیم توسط گروهی از زنان انجمن

XXXXXX

مشخصات مردان متجاوز و خشونت طلب همیشه آن چیزی نیست که غالباً تصور می‌رود. سوء تفاهات این رفتار ددمنشانه را غالباً به اشخاص کم سواد و اقشار محروم جامعه نسبت می‌دهند. این تحلیل اشتباهی بیش نیست. سرنوشت ماری ترنتینیان Trintignan دختر هنرپیشه فرانسوی Jean-Louis Trintignan که ماه اوت ۲۰۰۲ به دست دوست پسرش که هنرمند نامی می‌باشد به قتل رسید گواهی بر این امر است. در هلند بیش از نیمی از کسانی که مرتکب اعمال خشونت‌آمیز نسبت به زنان می‌شوند دارای دیپلم دانشگاهی هستند.

با پیشرفت علم و توسعه وسایل ارتباطی به خصوص در کشورهای جهان سوم نه تنها خشونت بر ضد زنان کاهش نیافته بلکه به گونه‌ای دیگر و گسترده‌تر به عرصه خصوصی مردم وارد شده است.

خشونت به روح و جسم زن و حتی مرد ضربه‌های سختی می‌زند که در بسیاری از موارد جبران‌ناپذیر است.

تهیه و تنظیم از: داود - پاریس

XXXXXXXXXX

معرفی شخصیت‌ها

یادی از ماری کوری به مناسبت روز جهانی زن

ماریا اسکودویسا، همسر پیر کوری (Pierre Curie) در هفت نوامبر ۱۸۶۷ در شهر ورشو (لهستان) زاده شد و در چهارم ژوئیه ۱۹۳۴ در فرانسه درگذشت.

او نه تنها با کشفیات جدیدش در زمینه علم فیزیک و شیمی خدمت بزرگی به جامعه بشریت نمود بلکه بعنوان یک خارجی (لهستانی الاصل) در مقابل تبعیض نژادپرستی و مردسالاری تلاش و مبارزه‌اش را تا آخرین نفس پیش برد.

ماری بعد از ازدواجش با پیر کوری و کسب جایزه نوبل در جهان معروف شد. در واقع او در یک خانواده دانشمند و تحصیل کرده زاده شد. پدرش استاد ریاضی و فیزیک و مادرش معلم بود. او چهارمین فرزند خانواده است که در سال ۱۸۷۶ یکی از خواهرانش را بر اثر بیماری تیفوس و مادرش را به علت بیماری سل در سال ۱۸۷۸ از دست داد. شاید هلاکت مادر و خواهر به خاطر بیماری وی را به دنبال علم و مطالعه بیشتر سوق داد به طوری که در طول زندگی‌اش بدون وقفه پی‌گیر تحقیقات بود و توانست در آن زمان که لهستان تحت سلطه روس‌ها بود و دختران اجازه ورود به دانشگاه نداشتند بطور غیرقانونی به دانشگاه Volante رفت و آمد کند.

حفظ قدرت خانواده که منوط به قدرت مرد است صورت می‌گیرد نه تنها بنیان خانواده و عفت را مستحکم نمی‌کند بلکه به متلاشی شدن تسریع می‌بخشد. به عبارت دیگر قدرت مبتنی بر مشروعیت است، ولی خشونت به رغم توجیه‌پذیری هیچ‌گاه مشروع نمی‌نماید بلکه به لحاظ کاربرد وحشت برای چیرگی بر مخالف بسیار شکننده جلوه می‌کند بنابراین می‌توان گفت قدرت و خشونت دو پدیده متضادند و در صورت حضور یکی، دیگری نفی می‌شود. به عبارت دیگر خشونت به یاری حفظ قدرتی می‌آید که در محاصره قرار گرفته است، ولی در صورت رها شدن مطلق، نه تنها موجد قدرت نشده که حتی به نابودی آن نیز حکم می‌کند.

سازمان بهداشت جهانی در اولین مطالعه جهانی که خود در باره خشونت علیه زنان نتیجه گرفته است در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می‌گیرد حتی باردار بودن، زنان را از خشونت مردان مصون نمی‌دارد. خشونت علیه زنان امری پنهان است زیرا بسیاری از زنان در جوامع مختلف به دلایلی همچون مجازات سخت و عدم حمایت‌های قانونی از ابراز آن خودداری می‌کنند. خشونت علیه زنان مرز نمی‌شناسد. در همه جای دنیا زنان کم و بیش مورد انواع خشونت‌ها جسمی، جنسی و کلامی قرار می‌گیرند، ۳۰ تا ۳۵ درصد زنان آمریکائی مورد آزار جسمی شوهرانشان قرار می‌گیرند و ۱۵ تا ۲۵ درصد آنها هنگام بارداری نیز مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. ۴۱ درصد زنان هند بر اثر آزار جسمی همسران خود دست به خودکشی می‌زنند. در بنگلادش بیش از ۵۰ درصد قتل‌ها ناشی از خشونت مردان است. از طرفی باورهای مردسالار به نوعی این خشونت را طبیعت مرد می‌داند و سعی می‌کند آن را توجیه کند و به زن می‌قبولاند که زن با لباس سفید به خانه بخت می‌رود و هر چه بر سرش آید با کفن سفید از آن بیرون می‌آید. در بعضی از کشورها مراکزی به نام خانه‌های امن وجود دارد که زن خشونت دیده تا زمانی که خطر تهدیدش می‌کند به آن پناهنده می‌شود ولی هنوز نامی از خانه‌های امن در بسیاری از کشورها که در آنها زن آزار می‌بیند برده نمی‌شود.

تأثیری که خشونت روی زن می‌گذارد بیش از آن که جسم را بخراشد روح را جریحه‌دار می‌کند و به او احساس موجودی بی‌اراده و مفعول و منفعلی می‌دهد.

را به دقت آزمایش می‌کند و نشان می‌دهد که *Lapech blende* و *La chalcote* چندین برابر از اورانیوم فعال‌ترند. وی نتایج کارش را در دوازده آوریل ۱۸۹۸ در آکادمی علوم پاریس ادامه می‌دهد و به دنبال آن جایزه نقدی به مبلغ چهار هزار فرانک برای کشف خاصیت مغناطیسی فلزات کسب می‌کند. یعنی ابتدای شهرت او.

در سال ۱۸۹۸ پیر کوری نیز تحقیقاتش را در کنار همسرش در مورد رادیو اکتیویته دنبال می‌کند. نتیجه کارشان کشف پلنوم است که حدوداً چهار صد برابر فعال‌تر از اورانیوم است. بیست و ششم دسامبر همان سال با شرکت *Gustave Bémont* فلز جدیدی به نام رادیوم کشف می‌کنند که نه صد برابر فعال‌تر از اورانیوم است!!

پژوهش‌های علمی همچنان در کنار زندگی خانوادگی پیش می‌رود. در بیست و پنجم ژوئن ۱۹۰۳، ماری کوری نیز دکترایش را با عنوان «تحقیقات در مورد مواد رادیواکتیو» در دانشکده علوم دانشگاه پاریس با معدل ممتاز دفاع می‌کند و همان سال در ماه دسامبر جایزه نوبل فیزیک در رابطه با «پدیده تشعشع» به نتیجه کار جمعی او و همسرش و همکارشان هانری بکر تعلق می‌گیرد ولی ماری به خاطر زایمان دختر دوم (Eve) قادر به حضور در استکهلم نیست و مجبور بود یک سال دیگر منتظر باشد. جالب این که او اولین زنی است که به دریافت این جایزه نائل می‌شود و آکادمی علمی فرانسه اسم او را در لیست برندگان جایزه اعلام نکرده بود! فقط اسم شوهر و همکارش ذکر شده بودند. بطوریکه با دخالت همکاران سوئدی او اسم ماری نیز در لیست اضافه شد. از این تاریخ با کسب جایزه نوبل اسم ماری و پیر کوری شهرت جهانی پیدا کرد و دولت فرانسه مجبور بود امکانات بیشتری در اختیار آنان بگذارد. در اکتبر سال ۱۹۰۴ هر دو به عنوان استاد دانشگاه، اجازه ساخت یک لابراتور را در محوطه دانشکده، واقع در شماره دوازده خیابان *Cuvier* دریافت نمودند. اقدامی که به آنها اجازه می‌داد با انرژی و امکانات مناسب تحقیقاتشان را ادامه دهند. ولی از بدی شانس پیر کوری بعد از دو سال یعنی ۱۶ آوریل ۱۹۰۶ در یک تصادف با *Voiture à Cheval* کشته می‌شود، فقدانی که برای ماری کوری جبران‌ناپذیر بود، و مجبور بود ریاست و مسئولیت لابراتور را به تنهایی عهده‌دار شود.

او خیلی به تعقیب تحصیلات عالی علاقمند بود و زمانی که خواهر بزرگش با شوهرش به عنوان دانشجوی پزشکی به فرانسه آمدند او نیز مصمم می‌شود با کار فراوان پولی اندوخته کرده و به آنها ملحق شود. بالاخره ماری در سال ۱۸۹۱ به پاریس می‌آید و برای تعقیب رشته فیزیک در دانشکده علوم پاریس ثبت‌نام می‌کند که آن موقع دانشجویان دختر اکثراً غیرفرانسوی بودند و ظاهراً درس فیزیک در مدارس دخترانه هنوز تدریس نمی‌شد! ماری پس از اقامت کوتاه در کنار خواهر و دامادشان، به اتاقکی در خیابان *Flatters* در محله پنجم نقل مکان می‌کند. در ژوئیه ۱۸۹۳ در رشته فیزیک و ریاضی با درجه لیسانس فارغ‌التحصیل می‌شود و اوایل ۱۸۹۴ به گروه تحقیق در لابراتور فیزیک *Gabriel Lippmann* ملحق می‌شود و مطالعاتش را در خاصیت مغناطیسی انواع فولادها در شرکت صنعت ملی دنبال می‌کند. در رابطه با همین تحقیقات است که بوسیله یکی از استادانش با پیر کوری در یک شب‌نشینی آشنا می‌شود. آن موقع پیر رئیس گروه تحقیقات فیزیک در مدرسه صنعتی فیزیک و شیمی است و این ملاقات همکاری وی را با گروه پیر کوری که روی مغناطیسم کار می‌کردند موجب می‌شود.

بعد از مدتی اشتغال و تحقیق ماری به ورشو برمی‌گردد تا تجربیاتش را با هم‌وطنانش در میان بگذارد ولی پیر کوری به او علاقمند شده و از او تقاضای ازدواج می‌کند و بدین طریق او دوباره به فرانسه برمی‌گردد و به تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۸۹۵ در شهرک *Sceaux* با هم ازدواج می‌کنند.

در طول سال‌های ۹۶-۱۸۹۵ ماری برای شرکت در کنکور معلمی برای تدریس ریاضیات بخش دختران آماده می‌شود ولی بعد از کسب این دیپلم با معدل عالی ترجیح می‌دهد تحقیقاتش را برای دوره دکترای ادامه دهد. دوازده سپتامبر ۱۸۹۷ اولین فرزندش *Irene* به دنیا می‌آید ولی از عشق و علاقه او به ادامه تحصیل اندکی کاسته نمی‌شود.

کشف اشعه X بوسیله *Wilhelm Röntgen* در سال ۱۸۹۵ کنجکاوی و خوشحالی خیلی از محققین علمی را برانگیخته و ماری که در آن موقع دنبال موضوعی برای رساله دکترایش بود تشویق می‌شود که کارش را در حوزه «مطالعات اشعه‌های حاصل از اورانیوم» دنبال کند. او انواع فلزات و نمک‌ها و مواد معدنی در اورانیوم

شیفتگی علمی و صنعتی‌اش را بیش از پیش نشان می‌دهد و در اکثر مواد مصرفی به کار گرفته می‌شود. با شناخت از فوائد و استعمال رادیوم و کمک‌هایی که به این انستیتو می‌شود دانشجویان زیادی بخصوص از کشورهای خارجی بورس می‌گیرند و در این میان تعداد دانشجویان دختر به سمت ماری کوری رو به افزایش است.

در سال ۱۹۲۱ Marie Mattingly روزنامه‌نگار آمریکائی با تبلیغ فعالیت‌های انستیتو حدود یک میلیون فرانک کمک مالی جمع می‌کند و به دنبال آن خود ماری کوری برای خرید رادیوم از شرکت Pittsburgh به آمریکا سفر می‌کند و در مراکز متعدد سخنرانی می‌کند. ولی او در تماس نزدیک با مواد رادیو اکتیو مشکلات سلامتی پیدا کرده و ضعف و ناتوانی بیش از پیش غالب شد و بالاخره در چهار ژوئیه ۱۹۳۴ بعد از یک ماه بستری چشم از جهان فرو بست. وی در کنار همسرش در شهرک Sceaux تدفین شد ولی در ۲۰ آوریل ۱۹۹۵ با تصمیم فرانسوا میتران، رئیس جمهور وقت، خاکستر این زوج برای قدردانی از خدمات آنان به پانتئون منتقل شد. امروزه او تنها زنی است که در آنجا در میان بزرگان فرانسه جا گرفته است.

از خدمات او هر چه بگوئیم کم است و در واقع وی از نادر چهره‌های مترقی و علمی جهان است که خدمت بزرگی به علم پزشکی کرده است و سال گذشته از طرف مجمع عمومی سازمان ملل، سال بین‌المللی شیمی - به خاطر صدمین سال دریافت جایزه نوبل او در شیمی - به نام ماری کوری اعلام شده بود.

در ضمن در ورودی انستیتو کوری در محله پنجم (11, rue Pierre et Marie Curie) اتاق کار او و همسرش هم‌چنان دست نخورده بعنوان موزه نگهداری شده و ویژگی این محل برای عموم آزاد است. تقدیم به زنان مبارز ایرانی که بر علیه جهل و تاریک‌اندیشی تلاش کرده‌اند.

رسول

XXXXXXXXXX

فعل مجهول

از سیمین بهبهانی

بچه‌ها! صبحتان به خیر! سلام!

درس امروز «فعل مجهول» است

«فعل مجهول» چیست میدانید؟

از طرف دیگر مقامی که در آن موقع برای یک زن چندان قابل تصور نبود! او از این موقعیت استفاده کرد و بر پذیرش تعداد دانشجویان دختر افزود. اقدامی که بوسیله روزنامه‌نگاران در آن موقع «یک پیروزی فمینیستی» تلقی شد! ناگفته نماند او از آنجائی که یک زن دانشمند موفق و غیرفرانسوی بود حسادت همکارانش‌اش را برانگیخت و کسانی بودند که حتی سعی می‌کردند در پیشرفت کارهای او مانع ایجاد کنند! با این همه ماری کوری با تلاش شبانه‌روزی موفقیت‌ها را پی در پی کسب کرد و در سال ۱۹۱۰ «قرارداد رادیواکتیو» را منتشر نمود و در نوامبر ۱۹۱۱ بدون انتظار تلگرافی از سوئد دریافت کرد که جایزه نوبل شیمی به خاطر تلاش و نوآوری‌هایی در این زمینه به او تعلق گرفته است. در حالی که مطبوعات فرانسه از درج این خبر سکوت اختیار کرده بودند!

پایان سال ۱۹۱۱ پرفسور Emile Roux رئیس انستیتو پاستور، ایجاد یک انستیتوی رادیوم برای تحقیقات پزشکی به خاطر معالجه سرطان از طریق رادیوتراپی را پیشنهاد می‌کند، مرکزی که بعداً به اسم انستیتو کوری نامگذاری شد. این نامگذاری انستیتو که در خیابان Ulm در منطقه پنجم پاریس قرار دارد در سال ۱۹۱۴ درست قبل از شروع جنگ جهانی اول به پایان رسید و لابراتوار شیمی و فیزیک تحت سرپرستی ماری کوری و قسمت رادیوتراپی زیر نظارت Claudius Regaud به هم ملحق شدند.

در طول جنگ جهانی اول، ماری کوری به کمک همکارانش با صلیب سرخ همکاری کرد و در این رابطه هیجده واحد جراحی و چندین آمبولانس رادیولوژی به اسم «petites curies» برای مداوای مجروحین در جبهه‌ها به راه افتادند. هم زمان با این اقدامات او مجبور بود تعداد کمک رادیولوژیست‌ها را در انستیتو افزایش دهد.

سال ۱۹۱۶ ماری کوری گواهینامه رانندگی را اخذ کرده، دائماً برای انجام رادیولوژی به جبهه‌ها سر می‌زند و در این مسافرت‌ها دختر هیجده ساله‌اش Irène او را همراهی می‌کند.

بالاخره با پایان جنگ او به انستیتو برمی‌گردد ولی خرابی‌ها و مشکلات مالی موانعی در پیشرفت کار او می‌شوند تا این که در سال ۱۹۲۰ بعد از کشف خاصیت درمانی رادیوم برای مبارزه با سرطان این ماده معجزآسا

نسبت فعل ما به مفعول است
 در دهانم زبان چو آویزی
 در تهیگاه زنگ می لغزید
 صورت ناسازم آنچنان که مگر
 شیشه بر روی سنگ می لغزید
 ساعتی داد آن سخن دادم
 حق گفتار را ادا کردم
 تا ز «عجاز» خود شوم آگاه
 «ژاله» را از میان صدا کردم
 - ژاله! از درس من چه فهمیدی؟
 پاسخ من سکوت بود و سکوت
 د جوابم بده! کجا بودی؟
 رفته بودی به عالم «هیروت»؟
 خنده دختران و غرش من
 ریخت بر فرق ژاله، چون باران
 لیک، او بود غرق حیرت خویش
 غافل از اوستاد و از یاران
 خشمگین، انتقامجو، گفتم:
 - بچه‌ها! گوش ژاله سنگین است!
 دختری طعنه زد که - نه خانم
 درس در گوش ژاله، «یاسین» است!
 باز هم خنده‌ها و همه‌ها،
 تند و پیگیر، می‌رسید به گوش
 زیر آشفشان دیده من
 ژاله آرام بود و سرد و خموش
 رفته تا عمق چشم حیرانم،
 آن دو میخ نگاه خیره او
 موج زن، در دو چشم بی‌گنesh،
 رازی از روزگار تیره او
 آنچه در آن نگاه می‌خواندم
 قصه غصه بود و حرمان بود
 ناله کرد و در سخن آمد
 با صدائی که سخت لرزان بود:
 فعل مجهول، فعل آن پدری است
 که دلم را ز درد پر خون کرد
 خواهرم را به مشت و سیلی کوفت
 مادرم را ز خانه بیرون کرد
 شب دوش از گرسنگی تا صبح
 خواهر شیرخوار من نالید

سوخت در تاب تب برادر من
 تا سحر در کنار من، نالید
 در غم آن دوتن، دو دیده من
 این یکی اشک بود و آن خون بود
 مادرم را دگر نمیدانم
 که کجا رفت و حال او چون بود؟
 گفت و نالید و آنچه باقی ماند
 حق حق گریه بود و ناله او
 شسته میشد به قطره‌ها سرشک
 چون همچو برگ لاله او
 ناله من به ناله‌اش آمیخت،
 که - غلط بود آنچه من گفتم
 درس امروز، قصه غم توست
 تو بگو! من چرا سخن گفتم
 فعل مجهول، فعل آن پدری است
 که تو را بی‌گناه، می‌سوزد
 آن حریق هوس بود که در او
 مادری بی‌پناهی می‌سوزد

تهیه از داود

XXXXXXXXXX

دو شعر از فریدون مشیری به مناسبت نوروز

بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک
 شاخه‌های شسته، باران خورده، پاک
 آسمان آبی و ابر سپید
 برگهای سبز بید
 عطر نرگس، رقص باد
 نغمه‌ی شوق پرستوهای شاد
 خلوت گرم کبوترهای مست
 نرم نرمک می‌رسد اینک بهار

خوش به حال روزگار
 خوش به حال چشمه‌ها و دشت‌ها
 خوش به حال دانه‌ها و سبزه‌ها
 خوش به حال غنچه‌های نیمه‌باز
 خوش به حال دختر میخک، که می‌خندد به ناز
 خوش به حال جام لبریز از شراب
 خوش به حال آفتاب

XXXXXXXXXX

اطلاعیه

جشن نوروز ۱۳۹۱ انجمن تاکسیران

مکان:

LONGJUMEAU

SALLE ANNE FRANK

زمان:

جمعه ۲۳ ماه مارس ۲۰۱۲ ساعت ۱۹:۳۰

Vendredi 23 mars 2012 à 19 h 30

به اطلاع کلیه اعضای محترم انجمن تاکسیران می‌رسانیم که برای تهیه بلیط می‌توانند با تلفن‌های زیر تماس حاصل نمایند:

خانم مینا: 06.62.59.13.12

آقای علی: 06.58.09.83.73

لازم به یادآوری است که آخرین مهلت خرید بلیط روز دوشنبه ۵ ماه مارس می‌باشد و پس از این تاریخ هیئت مدیره هیچگونه مسئولیتی را عهده‌دار نخواهد بود.

هیئت برگزاری مراسم نوروزی

دعوت

به جلسه عمومی انجمن تاکسیران

از کلیه اعضای انجمن و همکاران گرامی دعوت می‌کنیم که در جلسه عمومی انجمن در ماه مارس شرکت نمایند.

زمان: دوشنبه ۵ مارس

مکان: رستوران الهام

ساعت شروع جلسه: ۱۹:۳۰

دستور جلسه:

۱- بزرگداشت روز زن

۲- بحث و تبادل نظر پیرامون مراسم نوروزی

۳- بحث آزاد

حضور فعال شما به غنی کردن جلسه می‌افزاید.

موفق و پیروز باشید

هیئت مدیره انجمن تاکسیران

ای دل من، گرچه در این روزگار
جامه رنگین نمی‌پوشی به کام
باده رنگین نمی‌بینی به جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می که می‌باید تهی‌ست
ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار
گر نکوبی شیشه‌ی غم را به سنگ
هفت رنگش می‌شود هفتاد رنگ!!!

تهیه از صفا

XXXXXXXXXX

از رباعیات از خیام

چون در گذرم به باده شوید مرا

تلقین ز شراب ناب گوئید مرا

خواهید به روز حشر یابید مرا

از خاک در میکده جوئید مرا

چندان بخورم شراب کاین بوی شراب

آید ز تـرـاب چون روم زیر تراب

گو بر سر خاک من رسد مخموری

از بوی شراب من شود مست و خراب

چون مرده شوم خاک مرا گم سازید

احوال مرا عبرت مردم سازید

خاک تن من به باده آغشته کنید

وز کالیدم خشت سر خم سازید

انتخاب از محسن

XXXXXXXXXX

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران الهام برگزار می‌گردد.

Chez - Elham, 11, Rue de la REYNIE

75004 Paris - Métro : Chatelet-Les-Halles

حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می‌باشد.